

ما سفر برگزشتنی گذراندیم

امیرحسین سیدهندی

پژوهشگر در حوزه ادبیات

رنج و عنای جهان اگر چه دراز است بابد و بانیک بی گمان به سر آید
چرخ مسافر ز بهر ماست شب و روز هر چه یکی رفت بر اثر دگر آید
ما سفر برگزشتنی گذراندیم تا سفر ناگزشتنی به در آید

دکتر محمدرضا توکلی صابری سفرنامه حجی با نام *سفر برگزشتنی* دارد و پایه پای ناصر خسرو بر جاده ابریشم در هزارمین زادروز او به راه می افتد.

وی کتاب *سفرنامه ناصر خسرو* را به دقت خوانده و تا آنجا که توانسته مسیرهایی که ناصر خسرو در آن روزگار طی کرده، از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ پیموده است.

در صفحه اول کتاب از حجی که بایزید بسطامی گزارده است می گوید: «یک بار به مکه شدم خانه مفرد دیدم گفتمش حج قبول نیست، کی، من از این سنگ ها بسیار دیده ام. بار دیگر برفتم خانه دیدم و خداوند خانه دیدم. گفتم کی هنوز حقیقت توحید نیست. بار سه دیگر برفتم همه خداوند خانه دیدم و خانه نه^۱».

(بایزید بسطامی)

و خود می نویسد: «من نیز به مکه شدم سه بار همه خلق دیدم و خانه، خدای رانی و این گزارش هدیه ای است به پیشگاه حمیدالدین ناصر بن خسرو قبادیانی مروزی حکیم، شاعر، دانشور، نویسنده، جهانگرد و مرد خرد و اندیشه، شیردل دانا، راهجوی نستوه، و ابرمرد پرسنده و جوینده پارسی، به مناسبت هزارمین زادروزش که نخست خود این رسم بر نهاد».

و بعد از نقل خوابی که ناصر خسرو در سفرنامه خود علت سفر خود بیان داشته، می گوید: «علت سفر من اما چیز دیگری بود. در فروردین ۱۳۷۹ خورشیدی؛ یعنی سه سال پیش از شروع سفر، هنگام خواندن دیوان ناصر خسرو دریافتم که در گذشت^۲ او در سال ۳۸۲ خورشیدی است؛ یعنی با خود گفتم سه سال بعد از هزارمین زادروز ناصر خسرو و چهل و چهار سال بعد از هزارمین سال روز سفر او خواهد بود و چه می شود اگر

۱. این حکایت در کشف المحجوب تصحیح دکتر عابدی صفحه ۱۶۴ آمده است.

۲. البته باید زادروز باشد و غلط چاپی است.





به این مناسبت کسی مسیری را که او پیمود، ببیند و ببیند در این هزار سال چه تغییراتی حاصل شده است؛ چه بر جای مانده و چه حاصل شده است...»
وی نیز اضافه می‌کند: «از آنجایی که امید نداشتم در آغاز هزاره سفر او زنده باشم با خود گفتم چرا در هزاره تولد او خود آن راه را نروم و نبینم و ننویسم...» در جلد اول از سفر برگزشتنی درباره آمادگی برای سفر و تمریناتی از قبیل سوار کاری، شنا، تیراندازی و... می‌گوید.

دکتر توکلی صابری آغاز سفر خود را چنین بیان می‌کند: «پرواز من در روز ۲۱ مهرماه ۱۳۸۲ از شهر کلمبوس از ایالت اوهایو است به شیکاگو، سپس واشنگتن و از آنجا به بروکسل. از خانه‌ام در روستایی به نام پاول در شمال شهر کلمبوس که به تازگی به شهرکی

تبدیل شده است، به فرودگاه کلمبوس رفته و پرواز کردم... و ساعت یک صبح جمعه ۲۴ اکتبر برابر با دوم آبان در تهران بودم».

در تهران چند روزی به تنظیم امور سفر می‌پردازد. ابتدا ویزای افغانستان را می‌گیرد، سپس ویزای سوریه و بعد از آن لبنان و... .

مؤلف سختکوش خوش ذوق، در جای جای کتاب گاه همچون حاج سیاح به مشکلات امروز مملکت به طعن سخن می‌گوید که به حق جای بسی تأمل است.

از تهران به مشهد می‌رود و از مشهد، شهر به شهر و روستا به روستا، به سوی خاک تبریز حرکت می‌کند و از ظرایف و دقایق آن شهر سخن می‌گوید. از تبریز با قطار به ترکیه می‌رود بعد از آن به سوریه و لبنان و عربستان سعودی و کلمبوس و اسرائیل و فلسطین.

در پایان سفر عربستان، در اواخر جلد اول صفحه ۲۸۹، می‌آورد: «سرانجام باید بگویم من به این سرزمین نیادم تا تجارت کنم، چه با خدا و چه با خلق خدای. من رد پای یکی از نیاکان دوردست خویش را گرفته بودم که هزار سال پیش از این، رنج سفر را بر خود هموار کرد، نوشت و گزارش داد. من گزارش این ابرمرد را خواندم و این سفر را رفتم تا ببینم در این مدت بر جهان چه گذشته است و چه دگرگونی‌هایی پیدا شده است. من بر این اندیشه بودم که اگر آن پیل اندیشه چنین کرد موران بیشه نیز باید به اندازه خرد خود دلیری کنند؛ از لانه خود سرکی بیرون بکشند و جهان را ببینند و من چنین کردم...»

در پایان جلد اول فهرستی از زندگینامه افرادی که سفر حج خود را به رشته تحریر درآورده‌اند و نامشان در این کتاب آمده است، به دست می‌دهد.



جلد دوم

آقای توکلی صابری در بخش اول جلد دوم می‌نویسد: «از آنجایی که نه پول فراوانی داشتیم و نه فرصت کافی که تمام مسیر ناصر خسرو را یکباره بروم، تصمیم گرفتم هر ساله بخشی از این سفر را رفته و درباره آن به پژوهش پردازم.»

وی در ۲۵ و ۲۶ شهریورماه ۱۳۸۴ در کنگره «شعر فلسفی ناصر خسرو» در لندن شرکت می‌کند و فیلم ۴۵ دقیقه‌ای را که در مرحله اول سفر خود از شهرها و مکان‌هایی که ناصر خسرو رفته پُر کرده، به نمایش می‌گذارد و از آنجا رهسپار تهران می‌شود.

در روز چهارشنبه ۶ شهریور ۱۳۸۴ از تهران با هواپیما به آبادان می‌رود و از آنجا تا مشهد یک شهرها و روستاها را که ناصر خسرو طی کرده، می‌پیماید و توضیحاتی دقیق به خواننده کتاب می‌دهد. او این مسیر را از ۶ تا ۱۵ مهرماه طی می‌کند و ۱۵ مهر باز به تهران می‌رود و تا ۲۴ مهر در تهران می‌ماند، سپس به سوی آمریکا پرواز می‌کند.

توکلی صابری روز جمعه ۱۷ شهریور ۱۳۸۵ از آمریکا به مقصد مصر حرکت می‌کند و از مصر به جده سپس به مکه و از آنجا به قاهره و از قاهره به نیویورک می‌رود و خاطرات سفرش را به دلنشین‌ترین هر چه تمام‌ترین بیان می‌کند. وی سطر به سطر *سفرنامه* ناصر خسرو را با آنچه امروز می‌بیند مقابله می‌کند که بسیار خواندنی

و شیواست. سپس در تاریخ یکشنبه اول اردیبهشت ۸۷ از کلمبوس به ترکمنستان می‌رود و تا یکشنبه ۸ اردیبهشت در ترکمنستان به تحقیق در مسیر ناصر خسرو می‌پردازد و بعد از آن راهی آمریکا می‌شود. نویسنده در ۲۰ فروردین ۸۸ باز به عربستان می‌رود، حج می‌گردد و از آنجا شهر به شهر و قریه به قریه به ایران می‌آید که یکی از خواندنی‌ترین بخش‌های این سفرنامه است.

در پایان جلد دوم کتاب می‌آورد: «یکشنبه ۲۰ اردیبهشت ساعت ۶:۳۰ صبح است، با انبانی از خاطرات خوش به سوی یمگان خویش پرواز می‌کنم و با خود می‌گویم

ماسفر برگزشتنی گذرانیم

تا سفر ناگذشتنی به در آید

اکنون که این کوشش به پایان رسیده است آماده سفر دیگرم یعنی سفر دیدار»

سفر دیدار نام کتاب دیگری است که در اصل ادامه همان دو جلد است. سفر به کوهستان‌های بدخشان و دیدار از مزار ناصر خسرو قبادیانی.

محمدرضا توکلی صابری، سه‌شنبه سوم شهریورماه ۱۳۹۲ ساعت ۷:۴۸ از فرودگاه کلمبوس به واشنگتن می‌رود و از واشنگتن به استامبول و پنج‌شنبه پنجم شهریور به تاجیکستان و در نهایت دوشنبه نهم شهریورماه به سوی افغانستان حرکت می‌کند و سه‌شنبه ساعت ۸:۳۰ به قریه سعید می‌رسد و آرامگاه ناصر خسرو را زیارت می‌کند.

در آخر، این سیاح ایرانی سختکوش عاشق، از افغانستان به تاجیکستان سپس استامبول و بعد از آنجا به هستون تگزاس پرواز می‌کند: «اکنون که بر فراز مدیترانه از پنجره به این دریای آبی می‌نگرم، همه در فکر این سفرم و اینکه چه سریع گذشت و از این حوادث سالم بیرون آمدم... حال در انتظار سفر دیگری هستم سفر طواف».

در قسمت پایانی *سفر دیدار* بخشی است با عنوان «سفالینه بی‌ارزش» که با این بیت آغاز می‌شود:

بزرگش نخوانند اهل خرد

که نام بزرگان به زشتی برد

و در ادامه نقدی کوتاه به کتاب *نگاهی نوبه سفرنامه* نوشته «فیروز منصوری» دارد و ادعای وی را مبنی بر اینکه «حکیم ناصر خسرو قبادیانی، آن مرد دانشمند و شاعر آزاده، سفرنامه ننوخته است» بیهوده می‌انگارد و این کتاب را ساخته و پرداخته انگلیسی‌ها می‌داند که در قرن نوزدهم برای ایجاد اختلاف بین مسلمانان و با هدف زمینه‌سازی برای ایجاد دولت اسرائیل تألیف شده است.

کتاب *سفر برگزشتنی* در دو جلد به همت انتشارات قطره در زمستان ۱۳۹۲ در ۵۰۰ نسخه به چاپ رسید و کتاب *سفر دیدار* را که در سال ۱۳۹۳ جایزه اول جشنواره سفرنامه‌نگاری ناصر خسرو را از آن خود کرد، نشر اختران در سال ۱۳۹۵ با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه منتشر کرد.

